

# ثبات سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی

مسعود پورفرد\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۴

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۲۳

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره نوزدهم
- زمستان ۹۶

ثبات سیاسی در  
نظام مردم‌سالاری  
دینی  
(۴۳ تا ۶۴)

## چکیده

این مقاله، وضعیت ثبات سیاسی در نظام مردم‌سالاری دینی را با تمرکز بر شرایط جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده است. شواهد نوشته حاکی از آن است که تحقق ثبات در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی، مستلزم فراهم آمدن شرایط هشت‌گانه‌ای در فرآیند تغییرات سیاسی و اجتماعی است، و بالعکس؛ بی‌ثباتی سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نیز پدیده‌ای است که با ازبین‌رفتن یکی از این شرایط می‌تواند ظهور و بروز پیدا کند. این تحقیق با بررسی عوامل اصولی ثبات سیاسی در محیط داخلی و خارجی بر روی وضعیت موجود جمهوری اسلامی ایران، راهبردها و مکانیزم‌های مختلف درخصوص ثبات سیاسی را مورد دقت قرار داده است. نتایج پژوهش، به‌ارایه‌ی پیشنهادها و الزامات بهبود ثبات سیاسی در وضعیت موجود جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت.

## واژه‌های کلیدی:

ثبات سیاسی، روش تحلیل سیستمی، شاخص‌های فرهنگی، شاخص‌های سیاسی، شاخص‌های اقتصادی.

\* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: (poor657@gmail.com).

## تقریر موضوع

برخی نظام‌های سیاسی در عین تحول‌پذیری، می‌توانند از ثبات سیاسی نیز برخوردار باشند. این پژوهش درآمدی است بر الگوی مبانی و اصول پایداری و ثبات یک نظام سیاسی اسلامی؛ و چون جمهوری اسلامی ایران مصداق یک نظام مردم‌سالار دینی است، لذا این الگو با مؤلفه‌هایی مانند: ارزش معنوی، مشروعیت، رهبری و... می‌کوشد تا الگویی اصولی برای مدل نظام سیاسی اسلامی ترسیم کند. در مورد عناصر ثبات‌آفرین و بی‌ثبات‌سازی بحث‌های مختلفی انجام گرفته است. به نظر می‌رسد با توجه به شاخص‌هایی مانند: میزان مشارکت مردمی، باورها و ارزش‌ها، رفتار تعاملی، رهبری- مشروعیت، خشونت‌های سیاسی، آزادی انتخابات، کارآمدی نظام، فقر، شورش، اعتراض و اعتصاب، رقابت سیاسی، میزان مطابقت رفتار قدرت سیاسی با قانون اساسی و... می‌توان میزان تغییرات و چالش‌هایی که نظام جمهوری اسلامی ایران را به مخاطره می‌اندازند، تعیین نمود. بی‌شک نظام‌های سیاسی با گذشت زمان دست‌خوش تغییر و تحول می‌شوند؛ بنابراین در رابطه با نظام‌های پویایی که با رویداد و تغییرات مهم و جزئی به حیات خود ادامه می‌دهند، می‌توان این پرسش را مطرح کرد که: «ثبات سیاسی در درون یک نظام سیاسی چیست؟» به‌طور اختصار، ثبات سیاسی ناظر بر تداوم نسبی، پاسخ‌گویی به خواسته‌های مردم و کارکردهای صحیح نظام است که تعیین‌کننده‌ی بقای یک نظام سیاسی می‌باشد. آنچه در تبیین مسأله‌ی ثبات سیاسی حائز اهمیت است، استفاده از دیدگاه‌های علمی، گفت‌وگو با امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، در تبیین عوامل بقای جمهوری اسلامی ایران است. آن بزرگواران در این بحث به عدم اختلال در کارکرد نظام سیاسی و اجتماعی اشاره کرده و از واژه‌هایی مانند نقش کارگزاران، اقتصاد و نیازهای مردم، فقر و محرومیت، باورها و ارزش‌های دینی، مشارکت مردم، اعتماد به نفس، اسلامیت استفاده نموده‌اند؛ در برخی موارد نیز بر اختلال در کارکرد محیطی و بیرونی (از ناحیه‌ی قدرت‌های خارجی) اشاره داشته‌اند. سوال اصلی این مقاله آن است که: ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران چگونه استقرار می‌یابد و به چه عواملی بستگی دارد؟ مدعای تحقیق آن است که میزان اثباتی جمهوری اسلامی ایران، به‌میزان پاسخ‌گویی نظام به خواسته‌های مردم با توجه به هشت متغییر واسطه‌ای ثبات سیاسی (باورها و ارزش‌ها، رفتار تعاملی، فقرستیزی، رشد و رفاه اقتصادی، مشارکت سیاسی حداکثری مردم، رهبری مشروعیت سیاسی، کارآمدی نظام، عدم مداخله قدرت‌های خارجی) بستگی دارد.

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش، روش انتقادی تحلیل سیستمی است که متعلق به نوکارکردگرایی هم‌چون "ارنست هاس" می‌باشد؛ نوکارکردگرایان، نهادهای

بین‌المللی را همتای ضروری دولت‌های مستقل می‌دانستند و معتقد بودند که ظرفیت‌شان برای ادامه‌ی هدف‌های رفاهی رو به کاهش گذارده است؛ از این‌رو کارهای افرادی نظیر "هاس" و "میترا نی" انگیزه‌های لازم را برای همکاری نزدیک‌تر میان دولت‌های اروپایی فراهم آورد و یکی از نتایج آن ایجاد اتحادیه اروپا بود. این پدیده، یکی از مصادیق عملیاتی نظریه‌ی نوکارکردگرایان تلقی می‌شود (دوئرتی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۷۴). نوکارکردگرایان عمدتاً به بسط، اصلاح و آزمایش فرضیه‌های مربوط به همگرایی می‌پردازند. تحولات دهه‌های ۷۰ و ۸۰ و آغاز دهه‌ی نود (انحطاط مارکسیسم و کمونیسم، افول جریانات فکری چپ‌گرا، کاهش شدید تمایلات ایدئولوژیک، اهمیت یافتن برخی پدیده‌های سیاسی مثل قدرت و فراساخت‌گرایی فوکو و بحث کنش ارتباطی هابرماس) از جمله عواملی است که در شکل‌گیری نوکارکردگرایی مؤثر واقع شده است (توسلی، ۱۳۸۶: ۴۹۷). از جمله مهم‌ترین اصول روش انتقادی سیستمی می‌توان به: نفی جبرگرایی، توجه به عاملیت و اقدامات آن، امکان همگرایی در جوامع بزرگ و پیچیده و یک‌سان‌نبودن تأثیر اجزاء در تعادل یک نظام سیاسی اشاره کرد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۲۲۰).

## مفاهیم

### ثبات سیاسی

مراد از ثبات سیاسی، تداوم، استمرار و پایداربودن نظام مردم‌سالار است.

### شاخص

شاخص وسیله‌ای برای اندازه‌گیری و مقایسه‌ی پدیده‌هایی است که دارای ماهیت و خاصیت مشخصی هستند و بر مبنای آن می‌توان تغییرات ایجادشده در متغیرهای معینی را در طول یک دوره بررسی نمود (شهادی، ۱۳۶۷: ۷۶).

### نظام سیاسی اسلامی

مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از کنش و واکنش‌های سیاسی است که کارگزاران متعدد و با هدف توحیدی آن را تعهد کرده و انجام می‌دهند. این نظام سیاسی که از عناصر همبسته تشکیل شده است، هر کدام به‌تنهایی بخشی از نظام سیاسی اسلام را تشکیل می‌دهند. نمادها و قواعد معین دینی را ساختار می‌نامند؛ در مقابل، نوع روابط تعریف‌شده از رفتارهای سیاسی بین ساختارهای موجود در دورن نظام سیاسی اسلام را، کارکردهای همان ساختارها یا به‌طور خلاصه "کارویژه‌ی نظام سیاسی اسلام" می‌نامند.

## چارچوب نظری

رویکرد نظام‌مند و سیستمی از آن‌جا مهم است که یک دید کلی از هر سیستم ارائه می‌کند و ارتباط عناصر با یک‌دیگر، ارتباط سیستم با محیط و تأثیر محیط بر سیستم را مهم ارزیابی می‌کند (فرشاد، ۱۳۶۲: ۴۳). بنابراین مهم است که بدانیم اجزای مهم سیستم سیاسی کدام‌اند و چه کارکردهایی را عهده‌دارند. هر سیستم سیاسی متشکل از سه بخش است: بخش اول را "روندها" می‌توان تشکیل می‌دهند که این روندها شامل دو قسمت "تقاضاها" و "حمایت‌ها" می‌باشند. بخش دوم، "سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری" می‌باشد (رضاییان، ۱۳۷۰: ۳۴۵). بخش سوم هر سیستم سیاسی را "بازخورد" آن تشکیل می‌دهد که بازتاب سیاست‌گذاری‌های سیستم سیاسی در محیط است (آلموند، ۱۳۷۷: ۱۸۹-۲۳۴). هر نظام سیاسی، وابسته به نوع توانمندی و ساختارهای داخلی خود نسبت به ورودی‌ها، برخورد نموده، و آن را طی یک فرایند خاص به تصمیمات و خروجی‌ها تبدیل می‌نماید.

هر نظام سیاسی برای تبدیل داده‌ها به نهادها و یا برای انجام وظایف و مسولیت‌های خود، نیازمند توانایی‌هایی است؛ به نحوی که نظام‌های سیاسی مختلف را می‌توان بر اساس این توانایی‌ها با یک‌دیگر مقایسه نمود: "توانایی استخراجی"، "توانایی تنظیمی"، "توانایی توزیعی"، "توانایی سمبلیک" و "توانایی پاسخگویی".

"توانایی استخراجی" به مفهوم قابلیت استفاده از منابع و امکانات داخلی و بین‌المللی است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۷-۱۷۳). به بیان دیگر، هر سیستم سیاسی در دل محیط داخلی و بین‌المللی قرار دارد که امکانات فراوان انسانی و طبیعی موجود در آن‌ها می‌تواند قابلیت‌های نظام را افزایش دهد. "توانایی تنظیمی" به معنای ایجاد نظم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است (همان: ۱۶۹)؛ مسأله‌ی اصلی در این رابطه، نظم، آزادی فرد و قدرت است. منظور از "توانایی توزیعی"، توزیع در ابعاد سیاسی، اجتماعی و ارزشی است. در کشورهای توسعه‌یافته، سیاست و قدرت در ابعاد مختلف از قبیل ساختاری، جغرافیایی و عمودی تقسیم می‌شود؛ این درحالی است که در جهان سوم، عمدتاً با انباشت و تمرکز قدرت روبه‌رو هستیم (آق‌آداد، ۱۳۹۳: ۵۷-۸۷). "توانایی سمبلیک" به معنای توانایی توجیه اقدامات نظام براساس ارزش‌های فرهنگی است (همان: ۱۷۱). کشورهای جهان سوم عمدتاً فاقد این توانایی هستند و جامعه، سیاست‌های دولت را مغایر با ارزش‌های فرهنگی خود تلقی می‌کند. مراد از "توانایی پاسخگویی" نیز آن است که نظام سیاسی، پاسخگویی واقعی در مقابل عموم شهروندان باشد (حقیقت، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

## ویژگی و تعریف عملیاتی ثبات سیاسی

یافتن یک تعریف عملیاتی و رضایت‌بخش برای ثبات، کاری سهل و ممتنع است (اسمیت، ۱۳۸۰: ۴۸۶). به‌طور کلی، مفهوم ثبات و بی‌ثباتی با چهار ویژگی مورد شناسایی قرار گرفته و ابهام مفهومی را بیش‌تر کرده است. ویژگی اول، "ارزشی وهنجاری بودن" و ویژگی دوم، "نسبی بودن" آن است (خواجہ سروی، ۱۳۸۲: ۴۸-۴۸). ویژگی سوم "میزان قرابت و دوری از برخی خصیلت‌ها" و ویژگی چهارم "زمان‌مندی" است. در تعریف عملیاتی آن، برخی به‌معنای نظم در جریان تعاملات سیاسی، برخی دیگر به‌معنای نهادمندی سیاسی، بعضی قابل پیش‌بینی بودن رفتار سیاسی، بعضی دیگر پیوستگی و تداوم سیستم سیاسی و عده‌ای به‌معنای عدم وجود خشونت، عده‌ای دیگر به‌معنای وجود رژیم قانونی، گروهی به‌معنای عدم وجود تغییرات ساختاری و گروهی دیگر به‌معنای ترکیبی از موضوعات پیشین توجه ویژه‌تری داشته‌اند. در مجموع، تعریف ثبات در عین آن که منافاتی با تحول ندارد، باید متضمن بقای نظام نیز باشد (پناهی، ۱۳۸۳: ۳۵).

پس در پاسخ به این پرسش که «چه تحولی موجودیت یک نظام را تهدید یا تثبیت می‌کند؟» باید گفت تحولاتی که بر ارکان یک پدیده اثر مستقیم می‌گذارند، موجودیت آن پدیده را تهدید می‌نمایند؛ آن‌دسته از تحولاتی که تأثیر فرعی در این زمینه دارند، خطرناک نیستند. بعضی از عناصر یک پدیده، برای بقای آن لازم و برخی دیگر فاقد چنین ضرورتی هستند (بیلی، ۱۳۶۶: ۴).

## ثبات سیاسی و عوامل هشت‌گانه‌ی ثبات جمهوری اسلامی ایران

ثبات، مفهومی پیچیده و دشوار، ولی زمانی که تثبیت شود و به‌منصه‌ی ظهور برسد، بسیار مشتاق و طرف‌دار خواهد داشت. ثبات، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های سیاسی برای نشان‌دادن کارآمدی ثبت شده است؛ در عین‌حال، در طول حیات سیاسی این نظام‌ها، اعتراض‌ها و شورش‌های فراوانی دیده شده است (تد، ۱۳۷۶: ۲۴). بر همین اساس، راه‌حل ایجاد ثبات این نظام‌ها را در سه راه: اجبار، نظارت و اقناع احصا کرده‌اند. در اولی، برای ایجاد و حفظ ثبات سیاسی، اقدام به سرکوب عاملین پرداخته و ثبات را از طریق زور و اجبار تثبیت می‌کنند. در راه‌حل دوم، تمام تلاش بر بهبود کارکرد و عملکرد نهادها از طریق نظارت دولتی متمرکز است. راه‌حل سوم - یعنی اقناع - تأثیر به‌سزایی در حوزه‌ی سیاست دارد.

تعاریف برگرفته از صاحب‌نظران دانش سیاست، از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، را می‌توان در قالب هفت رویکرد طبقه‌بندی نمود. یک رویکرد "استمرار یک نظام سیاسی" که ثبات سیاسی به‌عنوان تداوم نوع خاصی از نظام سیاسی تعریف می‌شود (پناهی،

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره نوزدهم
- زمستان ۹۶

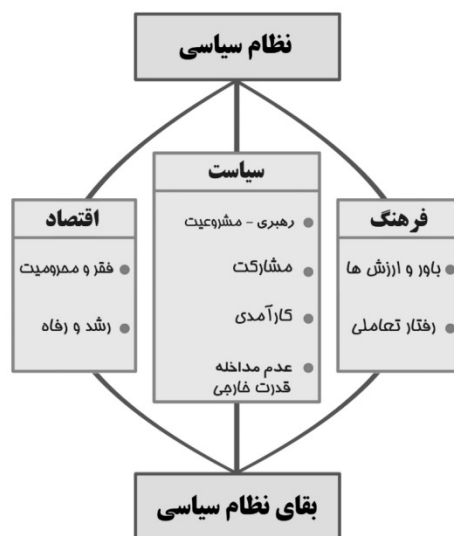
ثبات سیاسی در  
نظام مردم‌سالاری  
دینی  
(۴۳ تا ۶۴)

۱۳۸۳: ۳۴). دو؛ رویکرد "مشاهده‌گری"، که در آن، میزان بی‌ثباتی با میزان تکرار حوادث بی‌ثبات‌کننده‌ی قابل مشاهده سنجیده می‌شود (همان: ۳۵). سه؛ رویکرد "کوتاه‌مدت" که از یک سو بر وضعیت‌های سیاسی کوتاه‌مدت (مثل چند روز، چند هفته یا حداکثر چند ماه) تأکید دارد و از سوی دیگر، بی‌ثباتی با بلا تکلیفی، سردرگمی و عدم قطعیت مترادف در نظر گرفته می‌شود (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۶۷). چهار؛ رویکرد "نظام‌مند" که ثبات سیاسی هر حکومتی را مبتنی بر دو دسته از عوامل می‌داند: یکی این که نظام سیاسی کارویژه‌های خود را به‌خوبی انجام دهد و دوم این که، میان حوزه‌های اصلی نظام اجتماعی، ناهماهنگی و عدم تعادل شدید پدید نیاید. پنج؛ رویکرد "اطاعت‌پذیری" که در آن اکثر مردم در بیش‌تر اوقات، دلایلی برای کنش در جهت حمایت و بقای نظام دارند، اما تنوع و ترکیب دلایل حمایت از نظام ممکن است بسیار گسترده و پیچیده باشد (همان: ۳۶). شش؛ رویکرد "ارزشی" که در آن، اعضای جامعه از الگوهای رفتاری واقع در محدوده‌های ناشی از انتظارات نقش سیاسی منحرف نمی‌شوند (خواجهمسروی، ۱۳۸۵: ۹۸). در این رویکرد، شرط ثبات سیاسی، توافق و سازگاری میان باورها و اهداف افراد جامعه است و بی‌ثباتی هنگامی بروز می‌یابد که هنجارهای اجتماعی سابق، توسط گروهی از مردم شکسته شوند. هفت؛ رویکرد "نسبی‌گرایی" است که به اعتقاد دیوید ساندرز (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۷) در تعریف مطلوب از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی، باید از تفکیک سطحی ثبات و بی‌ثباتی احتراز نمود و آن را پدیده‌ی مستمر و نسبی دانست. هم‌چنین وی معتقد است که آن تعریف باید نشان بدهد که چگونه سطح بی‌ثباتی در کشور با گذشت زمان تغییر می‌کند و باید انواع متفاوتی از بی‌ثباتی سیاسی را بپذیرد (همان: ۱۱۷). از این رو، ثبات سیاسی ناظر بر فقدان نسبی برخی انواع حوادث سیاسی بی‌ثبات‌کننده است که به‌صورت ایجاد تغییر یا چالش در هر یک از ابعاد نظام سیاسی بروز می‌کند (همان: ۱۱۱).

به‌نظر می‌رسد که می‌توان از ترکیب رویکردهای هشت‌گانه‌ی فوق با راه‌حل‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) مدلی برای ثبات سیاسی ایجاد نمود. اگر نظام سیاسی نتواند نیازهای اقتصادی، فرهنگی یا سیاسی مطرح‌شده توسط جامعه را برآورده سازد، نارضایتی در جامعه ایجاد می‌شود. بدیهی است هیچ نظام سیاسی نمی‌تواند به‌صورت مطلق، تمام نیازهای مردم جامعه‌ی خود را پاسخ دهد. حال اگر سطح کارکرد نظام سیاسی از سطح نیازهای شهروندان عقب بماند، نارضایتی ایجاد می‌شود و بی‌ثباتی ظهور پیدا می‌کند. ایجاد ثبات سیاسی جامعه از طریق ترس، با مبانی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در تعارض است. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی نماید، مبتنی بر راه‌حل رضایت شهروندان یا مکانیسمی است که شهروند را قانع می‌کند، شرایط حکومت مستقر را نه از روی اجبار، بلکه از روی رغبت و علاقه بپذیرند. در این مدل‌ها،

سه حوزه‌ی: فرهنگ، اقتصاد و سیاست نقش مهمی دارند. از میان عناصر فرهنگ: باورها و ارزش‌های فرهنگی تعاملی حایز اهمیت‌اند؛ از میان عناصر اقتصاد: فقرستیزی، محرومیت‌زدایی، رشد و رفاه اقتصادی اولویت دارند؛ از میان عناصر سیاست نیز: کارآمدی نظام، مشارکت، رهبری- مشروعیت و عدم مداخله‌ی قدرت خارجی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات سیاسی ایفا می‌کنند.

هشت محور چالش‌ها



در این تعریف، ثبات سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که وقوع آن مستلزم فراهم آمدن شرایط هشت‌گانه در فرآیند تغییرات سیاسی و اجتماعی است. بالعکس؛ بی‌ثباتی سیاسی پدیده‌ای ساده است که با ازبین‌رفتن یکی از این شرایط، ظهور می‌کند.

### شاخص فرهنگ

#### ۱. باورها و ارزش‌های دینی

ارزش‌ها مجموعه‌ای از عناصر اعتقادی و عملی هستند که معیار و ابزار سنجش اعمال، گفتار و کردار افراد می‌شوند؛ جامعه، گروه یا فرد براساس این ملاک‌ها و الگوها، رفتار و کردار افراد را مورد قضاوت قرار می‌دهد و در سایه‌ی ارج نهادن به آن‌ها، موفقیت‌مندان را تضمین می‌گردد (ترنر، ۱۳۸۷: ۸۰). ارزش‌های دینی نیز ارزش‌هایی هستند که معنویت را وارد حیات بشر می‌سازند. ارزش‌های اجتماعی به دو دسته تقسیم می‌شوند: "ارزش‌های الهی" که منشأ آن‌ها وحی و فطرت است؛ "ارزش‌های مادی" که منشأ آن‌ها مادی است. از دیدگاه امام خمینی، ارزش‌ها باید براساس معیارهای الهی قرار داده شوند (صحیفه نور،

ج ۱۳، ۱۳۶۷: ۱۳۲). از دیدگاه ایشان، ارزش‌ها عبارت‌اند از: ایمان، تقوا، علم و مکارم اخلاق و ... (همان: ۱۲۸). از نظر رهبر معظم انقلاب، باور و ارزش‌ها، هم تحول‌زا هستند، هم ثبات‌آفرین. ایشان معتقدند: ملت ما به‌دنبال ارزش‌هایی بودند که همه‌اش در داخل اسلام هست. از جمله: ایمان، عدالت، دینداری، دوری از اسراف و تجمل در سطح زمامداران، سلامت دینی و اخلاقی زمامداران، رواج اخلاق فاضله، آزادی فکر و بیان (۸۷/۲/۱۲)، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی (۹۲/۰۹/۱۹).

به‌نظر برخی از جامعه‌شناسان، هم‌چنان که اقوام گذشته به ایمانی مشترک نیاز داشتند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند، اقوام دنیای کنونی نیز به عدالت نیازمندند (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۲: ۳۲۰-۳۲۹). از علایم بی‌توجهی به ارزش‌ها در جامعه‌ی کنونی ما می‌توان به افزایش آمار طلاق (کد خبر ۲۵۹۴۰۳ / <http://www.seratnews.ir>)، افزایش تعداد پرونده‌های قضایی، پایین‌بودن سطح نشاط و سلامتی، تمایل به سبک زندگی غیراسلامی، بدحجابی، فساد اداری و حقوق غیرمتعارف مدیران، قانون‌گریزی و کم‌توجهی به اهداف و آرمان‌های انقلاب اشاره کرد. رتبه‌بندی ایران در نشاط و شادی در سال ۲۰۱۶، از میان ۱۴۰ کشور، رتبه‌ی ۸۴ را به‌خود اختصاص داد. شیب نمودار ازدواج در کشور روبه‌روز پایین آمده و آمار ازدواج نسبت به سال‌های گذشته، ۶٫۵ درصد کاهش دارد؛ این در حالی است که ۳۶ درصد ازدواج‌ها نیز به طلاق منجر می‌شوند و آمار طلاق با یک شیب افزایشی ۵٫۳ درصدی همراه است ([www.mehrnews.com](http://www.mehrnews.com)). هم‌چنین آمار ورود حدود ۱۰ میلیون و ۸۶۶ هزار پرونده در مراحل مختلف به دستگاه قضایی در سال ۹۳ گزارش شده است ([www.ana.ir](http://www.ana.ir)).

## ۲. رفتار تعاملی

رفتار می‌تواند محملی برای انس و الفت، دوستی‌ها و همکاری‌ها و متقابلاً زمینه‌ای برای رفتار سوء، تنش‌ها و منازعات میان اجتماعات انسانی باشد. رفتار تعاملی ضمن وفاداری تام به اصول و مبانی فرهنگی جمهوری اسلامی، به‌دنبال ارتقای تقارب فرهنگی است. رفتار تعاملی به‌هیچ‌عنوان به‌مفهوم کوتاه‌آمدن از ارزش‌ها و آرمان‌ها نیست. رفتار تعاملی را می‌توان به‌عنوان مبنایی برای کسب اعتبار در صحنه‌ی زندگی و ایجاد فضای تفاهمی پایدار و صلح‌آمیز با سایرین توصیف نمود. متأسفانه رفتار غیرتعاملی در انتخابات اخیر (۱۳۸۸) و به‌ویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی - آن‌هم در سطح محلی و بومی - مشهود بود. به‌نظر می‌رسد با بازگشت جامعه به ارزش‌ها و هنجارهای اوایل پیروزی انقلاب - که مردم گرایش معنوی بسیار قوی پیدا کرده بودند - توانایی سیستمی سمبلیک را بتوان تقویت کرد؛ چراکه نقش بی‌بدیل باورها و ارزش‌های دینی مجدداً



احیاء خواهد شد و برای اعتلای توانایی سیستم تنظیمی جمهوری اسلامی ایران استفاده فراوانی به عمل خواهد آمد.

## شاخص اقتصاد

### ۱. فقرستیزی و محرومیت‌زدایی

به نظر "تد رابرت گار" نارضایتی عمدتاً حاصل تصور شکافی غیرقابل تحمل است میان "آنچه فرد دارد" و "آنچه احساس می‌کند" استحقاق داشتن آن را دارد و مایل است داشته باشد" (سیف‌زاده و گلپایگانی، ۱۳۸۸: ۲۴۹). در این رویکرد، تغییر سریع و شتابان اجتماعی، بی‌ثبات کننده تلقی شده و از طریق مکانیسم‌های روان‌شناسی اجتماعی معینی که "محرومیت نسبی" یا "سرخوردگی" نامیده می‌شود، موجب جنبش‌های اعتراضی می‌گردد. در واقع، رفتار سیاسی خشونت‌آمیز مردم، نتیجه‌ی نارضایتی است و نارضایتی محصول عدم تعادل‌های ساختاری و کارکردی در جامعه می‌باشد (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۸۶). مجریان توانمند می‌توانند عواملی را که به انتظارات فزاینده‌ی مردم و نخبگان از حکومت می‌انجامند، شناسایی نموده و در شرایطی که توانایی حکومت برای پاسخ‌گویی به نیازها ثابت است، ولی انتظارات مردم افزایش می‌یابد، در شفاف‌سازی مقدمات کشور برای مردم یاری نموده و انتظارات مردم را در سطح منطقی و قابل برآورد، کنترل نمایند. وظیفه‌ی شناختی در قبال محرومیت نسبی، ارایه‌ی شناخت معتبر از نیازهای شهروندان به سیاست‌گذاران است.

یکی از نشانه‌های فقر نسبی در ایران آمارهای مربوط به هزینه و درآمد خانوار شهری کشور (خط فقر زندگی در شهرها) است. از سال ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۹۲ همواره میزان هزینه‌های خانوار نسبت به درآمدها کم‌تر، و اختلاف هزینه و درآمد در تمامی سال‌ها بالا بوده است (www.mehrnews.com؛ شناسه خبر: ۲۹۶۷۸۵). هم‌چنین تعداد فقیران در جمعیت ایران به بیش از ۴۰ درصد رسیده است (www.salamatnews.com؛ کد خبر: ۱۴۹۷۴۳). تعداد حاشیه‌نشین‌ها در ایران به ۱۳ میلیون نفر رسیده است (سایت تابناک؛ کد خبر: ۶۴۱۵۴۲). بنابراین از دیگر عوامل آسیب‌پذیر جمهوری اسلامی ایران، بروز فقر و محرومیت است. چون فقر و محرومیت، زائیده‌ی سوءمدیریت در جامعه است و سیستم از کارایی توانایی توزیعی و تنظیمی مستأصل می‌گردد.

### ۲. رشد و رفاه اقتصادی

شواهد تجربی فراوانی برای تأیید ارتباط مشکلات اقتصادی با بی‌ثباتی سیاسی وجود دارد. برای نمونه، "ایسن و ویگانه" نشان دادند که میان درجه‌ی بالای بی‌ثباتی

سیاسی و نرخ بالای تورم، نوعی همبستگی مثبت وجود دارد (www.researchgate.net). "آلسینا" به این نتیجه رسید که درآمد نابرابر باعث افزایش بی‌ثباتی سیاسی می‌شود (Alesina, 1996: 1224). میزان تولید ناخالص داخلی نیز یکی از مهم‌ترین زیرشاخص‌های اقتصادی است که اندازه‌ی اقتصاد یک کشور و ظرفیت‌های تولیدی آن را نشان می‌دهد. با این وجود، تولید ناخالص داخلی سرانه، واقعیات بیش‌تری را - به‌خصوص از منظر رفاه اقتصادی - نمایان می‌سازد.

نرخ رشد اقتصاد ایران فاصله‌ی زیادی با نرخ رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه‌ی آسیای شرقی (۸/۹ درصد) دارد. مقایسه‌ی متوسط نرخ رشد اقتصادی ایران در دهه‌ی اخیر با سایر کشورهای درحال توسعه، به‌خصوص با توجه به ظرفیت‌های بالقوه‌ی اقتصاد ایران، بیان‌گر آن است که نرخ رشد اقتصاد کشور به‌طور متوسط پایین بوده است (www.donya-e- eqtesad.com/news/404845 شماره ۳۹۹۲). بررسی روند تاریخی تولید سرانه و نرخ رشد اقتصادی در ایران و هم‌چنین مقایسه‌ی آن با سایر کشورها، بیان‌گر معضلات مهمی در اقتصاد ایران است. از جمله: پایین بودن تولید سرانه و این که سرعت افزایش رفاه اقتصادی چندان مناسب نیست؛ نرخ رشد اقتصادی نیز بسیار بی‌ثبات و پرنوسان است. البته باید توجه داشت که پایین بودن تولید سرانه‌ی ایران در شرایط فعلی، عمدتاً به‌دلیل پایین بودن نرخ رشد اقتصادی در دهه‌های گذشته، به‌خصوص دهه‌ی شصت است که عمدتاً نرخ رشد اقتصادی منفی بوده است (روزنامه دنیای اقتصاد؛ شماره: ۲۳۸۰).

با رشد رفاه اقتصادی توانایی استخراجی جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و جذب سرمایه‌های انسانی ماهر در امر اقتصاد، دوچندان خواهد شد. شکوفایی اقتصادی یکی از عوامل ثبات خواهد شد و شهروندان در جامعه احساس آرامش و امنیت بیش‌تری خواهند کرد.

### شاخص سیاست

#### ۱. عوامل خارجی و ساختارهای بین‌المللی

فروپاشی نظام دوقطبی، فروریختن برج‌های دوقلو آمریکا، جنگ افغانستان و عراق و تهدید حیات گروه‌های تروریستی، همگی نشان‌دهنده‌ی تحولی عمیق در روابط بین‌الملل و استقرار ترتیبات جدید امنیتی در منطقه و جهان است. آمریکا به‌دنبال دکترین "کنترل جهان" و گسترش هژمونی خویش بر جهان است؛ لذا روابط و مناسبات جهانی تحت تأثیر این حرکت قرار دارند. برخی جنبش‌های آزادی‌بخش، تروریسم خوانده می‌شوند؛ در عین حال برخی گروه‌های تروریستی مورد حمایت آمریکا قرار می‌گیرند

یا از برخورد با آنها صرف نظر می‌شود. تقویت نقش بازیگران منطقه‌ای یکی از ویژگی‌های برجسته و بی‌سابقه‌ی نظام بین‌المللی در سال‌های اخیر شده است (کد خبر: fa.shafaqna.com/news/52509).

#### سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره نوزدهم
- زمستان ۹۶

ثبات سیاسی در  
نظام مردم‌سالاری  
دینی  
(۴۳ تا ۶۴)

بر اساس این نظریه‌ها، هرچه نفوذ عوامل خارجی و ساختارهای بین‌المللی در کشور بیش‌تر باشد، احتمال وقوع سطوح بالاتری از بی‌ثباتی سیاسی افزایش می‌یابد. یکی از عواملی که می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی را در پی داشته باشد، وابستگی اقتصادی است. مهم‌ترین وظیفه در این زمینه، تولید شناخت از میزان ریسک وابستگی در مرادوی اقتصادی است (Huang & Slomczynski, 2003 / 2004: 87). البته با عدم مداخله‌ی قدرت‌های خارجی، ثبات سیاسی از محیط بیرونی مورد تهدید قرار نمی‌گیرد و توانایی استخراجی و تنظیمی یک نظام، صرفاً از یک‌جنبه می‌تواند فعال‌تر شود؛ زیرا موانع کم‌تری در پیش روی خواهند داشت. جنبه‌ی دیگر به فعالیت صحیح و درست داخلی سیستم وابسته است.

#### ۲. رهبری و مشروعیت سیاسی

در اسلام، نقش ویژه‌ای برای رهبری یا امام یک نظام سیاسی در نظر گرفته شده است. امام نه تنها نقش مدیریتی جامعه را به عهده دارد، بلکه نقش‌های دیگری را نیز - هم‌چون اسوه‌بودن - داراست؛ اسوه‌بودن برای مردم، زمینه‌ی اعتماد به نفس و نظم اجتماعی را فراهم می‌آورد و رهبری یا امام جامعه می‌تواند مورد سنجش مردم قرار گیرد. زیرا به سبب این که امام جامعه دارای ویژگی‌های خاصی - هم‌چون مخالفت با هوای نفسانی و حفاظت از دین و ملت اسلام - است، بهترین شخص برای مدیریت و الگوبرداری شهروندان می‌باشد. در بحران‌ها و بی‌ثباتی‌ها، رهبری یا امام کسی است که مردم بتواند برپایه‌ی آن، حق را از باطل بازشناسند (طوسی، ۱۳۶۲: ۳۹). اهمیت این بحث به گونه‌ای است که بقا و دوام هر حکومتی به میزان مشروعیت و رهبری آن بستگی دارد و همه‌ی حکومت‌ها برای استمرار حیات سیاسی خود ناچارند مبانی مشروعیت خود را تقویت نموده و مانع بروز هرگونه بحران رهبریت و مشروعیت در جامعه شوند. حتی حکومت‌های غاصب و غیرمشروع نیز تلاش می‌کنند در حوزه‌ی نظر، اعمال قدرت خود را با نوعی مشروعیت آراسته کنند و نشان دهند که از پذیرش و اقبال عمومی برخوردارند. جامعه‌شناسی سیاسی، فارغ از دغدغه‌ی حق و باطل درصدد است که نشان دهد مردم چگونه و تحت چه شرایطی حاضر به اطاعت از حکومت می‌شوند و در چه شرایطی آن را رد می‌کنند؛ از طرف دیگر، حکومت‌ها نیز با چه ترفندهایی رضایت مردم را جلب می‌کنند (ژولین، ۱۳۶۸: ۲۴۲).

ثبات نظم اجتماعی، در گرو توضیح هنجاری آمریت و اطاعت سیاسی است؛ از این رو همه‌ی نظام‌های سیاسی، علی‌رغم شکل، ماهیت، نوع رژیم و مبانی و منشأ حاکمیت و مشروعیت، نیاز به مشروعیت دارند. در ادبیات علوم سیاسی، مشروعیت سیاسی (legitimacy) بیان‌کننده‌ی رابطه‌ی میان افراد جامعه و قدرت سیاسی است (چالز، بی‌تا: ۲۱۲). نظام‌های سیاسی برای مشروع جلوه‌دادن سلطه و حکمرانی خود به دلایل و ابزارهای متفاوتی متوسل می‌شوند تا از یک سو سلطه‌ی سیاسی موجود را موجه جلوه داده، و از سوی دیگر، با آگای نمودن افراد از چنین حقایقی، موجبات اطاعت سیاسی آنان را فراهم نمایند. لذا مشروعیت سیاسی، تبدیل شدن قدرت سیاسی به اقتدار سیاسی است و رابطه‌ای اساسی میان سلطه‌ی مشروع و مشروعیت سیاسی وجود دارد (علی اکبر، ۱۳۷۰: ۱۳۸). به عقیده‌ی "هورو ویتز و میلر"، اصلی‌ترین منبع بی‌ثباتی، پایین بودن سطح مشروعیت رژیم است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۴۱). دانکوارت ای. روستور (Dankwart A. Rustow) نیز ثبات سیاسی را برابر با مشروعیت شخصی حاکمان، به همراه مشروعیت نهادها می‌داند (خواجهرسوی، ۱۳۸۵: ۹۷). در صورت فقدان مشروعیت برای دولت، به ویژه هنگامی که اجبار حکومتی نیز ضعیف است، هر نوع شکافی بین نیازهای فزاینده‌ی مردم و کارکردهای حکومت، جلوه‌هایی از بی‌ثباتی را در پی خواهد داشت. در تمام توانایی‌های پنج‌گانه‌ی سیستم نیز، عنصر "رهبری- مشروعیت" نقش مهمی را بازی می‌کند.

### ۳. کارآمدی نظام سیاسی

در دانش سیاسی، کارآمدی نظام سیاسی: به معنای قابلیت و توانایی یک نظام سیاسی در رسیدن به اهداف تعیین شده برای حل مشکلات جامعه است. کارآمدی "موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع" است؛ از این رو، کارآمدی هر پدیده براساس سه شاخصه‌ی: اهداف، امکانات و موانع آن پدیده قابل ارزیابی است. هر قدر پدیده‌ای - با توجه به سه شاخصه‌ی مذکور - در تحقق اهدافش موفق باشد، به همان مقدار کارآمد است. در مقام ارزیابی کارآمدی یک نظام سیاسی، هرگز نمی‌توان از کارآمدی یا ناکارآمدی یک جزء، نظام سیاسی را کارآمد یا ناکارآمد دانست؛ بلکه کل سیستم باید کارآمد و توانمند باشد (فتحعلی، ۱۳۸۳: ۱۰۳). به تعبیر دیگر، می‌توان گفت که کارآمدی یعنی "پاسخ‌گویی مستمر و بلندمدت به نیازهای مردم". در دوران مدرن، مهم‌ترین شاخص این مسأله، توسعه‌ی پایدار اقتصادی است.

لیپست با برقراری ارتباط میان مقبولیت و کارآمدی معتقد است کشورهایایی که از حیث مقبولیت و کارآمدی در سطح بالایی قرار دارند، از ثبات بالایی برخوردارند و برعکس؛ رژیم‌های نامقبول و ناکارآمد، بی‌ثبات بوده و در معرض سقوط قرار می‌گیرند؛

مگر آن که با عامل زور و سلطه بتوانند حکومت خود را حفظ کنند. وی بر این عقیده است که افول مستمر یا بلندمدت کارآمدی سیستم، حتی ثبات یک نظام مشروع را می‌تواند به‌خطر بیندازد. مقبولیت عامه هرچند می‌تواند به‌عنوان عنصری ارزش‌مند برای حکومت محسوب شود و مردم در برابر کاستی‌های حکومت از خود تحمل و شکیبایی نشان دهند، اما ناکارآمدی‌های حکومت - مانند شکست‌های اقتصادی پی‌درپی - در بلندمدت می‌تواند بر مقبولیت عامه تأثیرات جدی برجای گذارد. فروپاشی نظام کمونیستی در اتحاد شوروی نشان داد که چگونه ناکارآمدی یک رژیم می‌تواند مقبولیت آن را به‌پایان برساند (دوگان، ۱۳۷۴: ۴).

در واقع، کارآمدی نظام سیاسی با توانایی تنظیمی سیستم ارتباط دارد؛ هرچقدر دولت اسلامی کارآمدتر باشد، توانایی تنظیمی سیستم نیز افزایش می‌یابد.

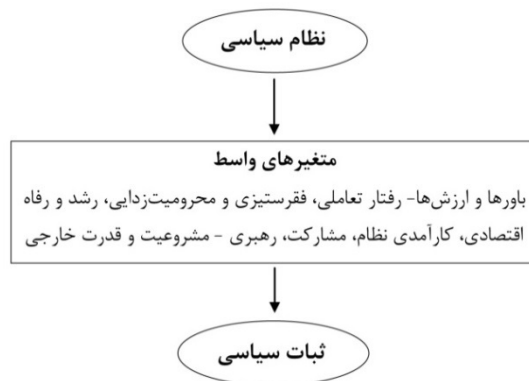
#### ۴. مشارکت و دموکراسی

مشارکت سیاسی، نوعی رفتار علنی اراده‌ی مردم برای تعیین سرنوشت جمعی خود است. از طریق مشارکت سیاسی، قدرت سیاسی به‌طریق مسالمت‌آمیز دست‌به‌دست می‌گردد؛ بنابراین میزان توسعه‌ی سیاسی یک کشور، بستگی مستقیم به این مؤلفه دارد (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۰۱). مشارکت سیاسی مردم در تصمیم‌سازی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و نیز در شرایط گوناگون، به آنان این خودباوری را خواهد داد که از مقدرات و ظرفیت‌هایشان استفاده بهینه کنند (شعبانی، ۱۳۸۰: ۴).

رکن رکن زیرساخت مشارکت، پذیرش اصل مساوات و برابری شهروندان است؛ هدف از آن نیز هم‌دلی، هم‌فکری و تشریک‌مساعی شهروندان به‌منظور ارتقای کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (علیخانی، ۱۳۷۷: ۶۱). هم‌سوئی دو مفهوم "مشارکت" و "مردم‌سالاری" از این حقیقت نشأت می‌گیرد که مردم‌سالاری به نقش تصمیمات جمعی تعلق دارد. در واقع، مردم‌سالاری مستلزم دو اصل "نظارت مردمی بر تصمیمات گروهی" و "برابری حقوقی در اعمال نظارت" است و به‌میزان تحقق یافتن این دو اصل و درجه‌ی نزدیکی به ایده‌ی مشارکت برابر در تصمیمات گروهی، مردم‌سالاری معنا می‌یابد (پورفرد، ۱۳۸۸: ۲۱). مشارکت از طریق حاکم کردن توده‌های مستحق بر سرنوشت خودشان به آن‌ها قدرت می‌دهد؛ زیرا انرژی آنان را مهار کرده و آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها دخالت می‌دهد (همان، ۴۲). "الکسی دو توکویل" ضمن تأکید بر تکامل همبستگی میان افراد جامعه، ادعا نمود: وضعیت دموکراتیک در کشور منجر به تحقق ساختارهایی برای عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های سیاسی و اجتماعی و تحقق ثبات سیاسی می‌گردد (ازغندی، ۱۳۸۵: ۲۲۹). بررسی آمار

انتخابات، نشانه‌ی نقش مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی است و این عامل دموکراسی و مشارکت را تقویت خواهد کرد. در ۲۷ انتخابات برگزار شده در نظام جمهوری اسلامی ایران، تا به حال حداقل ۵۵۵ میلیون و ۳۵۷ هزار و ۲۵۰ نفر مشارکت کرده‌اند که این رقم منهای شرکت کنندگان در انتخابات‌های میان‌دوره‌ای مجلس و سایر انتخابات کشور می‌باشد (www.farsnews.com؛ شماره: ۸۶۰۵۰۱۰۳۷۱). همچنین این آمار نشان می‌دهد که رابطه‌ی مستقیمی بین افزایش تهدیدهای خارجی علیه نظام و نیز مشارکت گروه‌های سیاسی متنوع در انتخابات با افزایش مشارکت مردم در انتخابات وجود دارد. مشارکت سیاسی عامل گسترش توانایی توزیعی و پویایی سیستم، جلوگیری از استبداد، ایجاد رقابت سیاسی و تضمین‌کننده‌ی بقای نظام مردم‌سالاری است. در واقع، توانایی توزیعی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ به کارگیری همه‌ی شهروندان در حوزه‌ی سیاست، اقتصاد و فرهنگ، افزایش یافته و منجر به یک سیستم مفید و کاربردی در سیاست خواهد شد (منبع: سایت رسمی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران).

#### نقش نظام سیاسی در ثبات سیاسی



#### نتیجه‌گیری

بی‌شک کشورهای جهان سوم و در حال توسعه از تحولات سریع عصر ارتباطات بی‌نصیب نشده‌اند. تحولات سریعی که دودمان قدرت‌ها و اقتدارشان را در آنی در می‌نوردد و به ساحل بی‌ثباتی می‌سپارد. تافلر معتقد است "موج سوم" با ناآرامی و بی‌ثباتی در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منجر خواهد شد. برخی نظریه‌پردازان برای جلوگیری از بی‌ثباتی در موج سوم جهانی و ایجاد ثبات سیاسی پیشنهاد می‌کنند که باید علل بی‌ثباتی، شناسایی و سرکوب شوند. در حالی که در دنیای پیچیده‌ی امروزی، برای برقراری ثبات سیاسی، پاسخ‌گویی به خواسته‌های عاملین به‌طور فزاینده‌ای مورد تأکید

قرار می‌گیرد، نه سرکوب عاملین. در همین راستا، این پژوهش درصدد یافتن پاسخی برای این سوال بود که جمهوری اسلامی ایران از طریق چه مکانیسمی بر "ثبات سیاسی" تأثیر گذاشته و چگونه ممکن است دچار بی‌ثباتی سیاسی شود؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، فرض شده است که جمهوری اسلامی ایران از طریق متغیرهای واسطی که عامل ثبات سیاسی هستند، برای جلوگیری از بی‌ثباتی سیاسی تأثیر می‌گذارند. نتایج حاصل از این پژوهش که به روش سیستمی انجام شده است، نشان می‌دهد که این مهم در نتیجه‌ی عواملی هم‌چون: باورها و ارزش‌ها، رفتار تعاملی، فقرستیزی و محرومیت‌زدایی، رشد رفاه اقتصادی، کارآمدی نظام، مشارکت و مردم‌سالاری، رهبری- مشروعیت و عدم مداخله‌ی قدرت خارجی بروز و ظهور می‌یابد.

به نظر می‌رسد عواملی هم‌چون باورها و ارزش‌ها، معنویت و ایمان را وارد عرصه‌های زندگی سیاسی کرده و ثبات و آرامش آن را دوچندان تضمین می‌کند. اما متغیرهای وابسته به این عامل، از قبیل افزایش طلاق، پرونده‌های موجود در دادگستری، سرقت، فساد اداری و... در جمهوری اسلامی می‌تواند هشدارها و نشانه‌هایی در این بخش باشد. رفتار تعاملی، عامل حیات‌بخش گفت‌وگو و محبت در سطح وسیع جامعه است که ثبات سیاسی در بطن آن نمود می‌یابد و مبنایی برای کسب اعتمادسازی در عرصه‌های مختلف زندگی و ایجاد تفاهم پایدار و صلح‌آمیز می‌شود. اما متغیرهای وابسته به این عامل از قبیل: نحوه‌ی تنش در مبارزات انتخاباتی، پرخاشگری در آداب رانندگی و... در جمهوری اسلامی می‌تواند هشدارها و علایمی در این بخش باشد. دو شاخص فرهنگی نامبرده شده می‌توانند توانایی سیستمی سمبلیک را ایجاد کنند. نقش بی‌بدیل باورها و ارزش‌های دینی در جمهوری اسلامی ایران به‌خاطر پایداری و استحکام ارزش‌های دینی در ثبات سیاسی جامعه نیز تأثیرگذار خواهد بود و هم‌چنین توانایی سیستمی تنظیم را در پی خواهد داشت. در مورد عامل سوم - یعنی فقرستیزی و محرومیت‌زدایی - باید گفت که نارضایتی عمدتاً حاصل شکاف غیرقابل تحمل است. در واقع "آن‌چه فرد دارد" و "آن‌چه احساس می‌کند مستحق آن است" شکاف‌های اجتماعی را پدید می‌آورد. وظیفه‌ی شناختی یک نظام در قبال محرومیت‌زدایی و فقرستیزی، شناسایی، طبقه‌بندی و سرانجام اولویت‌بندی نیازهای مادی شهروندان است. اما متغیرهای وابسته به این عامل از قبیل: فقر نسبی و مطلق، عدم اشتغال، فرهنگ راحت‌طلبی و... در جمهوری اسلامی می‌تواند هشدار و نمودی برای دقت در این بخش باشد. در مورد عامل رفاه و رشد اقتصادی باید گفت بدون شک درآمدهای برابر و دقت بالای مسئولین در برنامه‌های اقتصادی و نزدیک‌شدن به اهداف اقتصادی در خصوص رشد و رفاه می‌تواند یکی از عوامل ثبات تلقی شود. اما

عوامل وابسته به رشد و رفاه اقتصادی از قبیل: رشد منفی اقتصادی جمهوری اسلامی در هشت سال گذشته، وجود بیکاری در میان جوانان، فقر و فساد اقتصادی، درآمد نابرابر، تورم در سال‌های اخیر در جمهوری اسلامی می‌تواند هشدارها و نشانه‌هایی برای دقت در این بخش باشد. دو شاخص اقتصادی می‌توانند توانایی توزیعی سیستم جمهوری اسلامی را افزایش داده و باعث تقویت توانایی پاسخ‌گویی شوند. بی‌شک توجه به بازخوردهای منفی در این زمینه می‌تواند در امر فقرزدایی راهگشا باشد. هم‌چنین رشد اقتصادی باعث افزایش پایداری سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی همراه با دگرگونی ساختاری اقتصادی و ارتقای کلی سطح زندگی بخش وسیعی از مردم می‌شود. در واقع با رشد و رفاه اقتصادی توانایی استخراجی جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و نیز جذب سرمایه‌های انسانی ماهر در امر اقتصاد دوچندان خواهد شد.

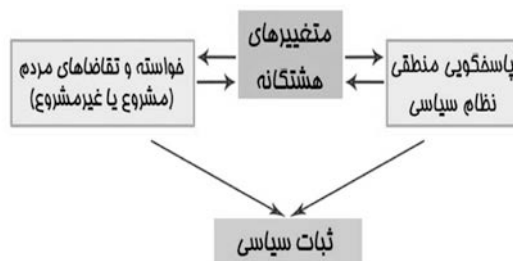
در مورد عامل پنجم، یعنی قدرت خارجی و ساختارهای بین‌المللی، مسأله این است که هرچه نفوذ عوامل خارجی و ساختارهای بین‌المللی در کشور بیش‌تر باشد، احتمال وقوع سطوح بالاتری از بی‌ثباتی سیاسی افزایش می‌یابد. این اقدام گاهی از طریق استراتژی معکوس نفوذ، از جمله: شیوه‌ی اهرم فشار (تحریم‌های نفتی، تحریم هسته‌ای، تحریم‌های بانکی، تحریم‌های نظامی و...) می‌تواند هشدار و نمودی برای دقت در این بخش باشد. این شاخص بیش‌تر نقش سلبی دارد و عدم مداخله‌ی قدرت‌های خارجی به پایداری ثبات کمک خواهد کرد. عامل دیگر ثبات سیاسی، رهبری- مشروعیت یا همان فرماندهی- اطاعت‌پذیری سیاسی است. کاهش مشروعیت زمانی رخ می‌دهد که انتظارات فزاینده‌ی مردم از نظام سیاسی بالاتر از سطح کارکردهای نظام سیاسی باشد. هرچند این خلأ با توجیه ایدئولوژیک قابل پوشش است؛ اما به‌دلایل پیش‌گفته، زمانی که در کشور ما باورها و ارزش‌های دینی در حال کم‌رنگ‌شدن باشند، با توجیه ایدئولوژیک نیز اطاعت سیاسی میسور نمی‌گردد و کشور دچار مشکل می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد که قدرت رهبری، منبعت از مردمی است که به اصل توحید و وحدانیت خدا معتقد هستند.

عامل مهم دیگر، کارآمدی نظام سیاسی است. هرچند این عامل تنظیم‌کننده‌ی قابلیت و توانایی رسیدن به اهداف تعیین‌شده‌ی نظام را به‌عهده دارد، لکن سه شاخص مهم: اهداف، امکانات و موانع، میزان کارآمدی یک نظام سیاسی را نشان می‌دهند. در عمل، شهروندان رفتارهای یک نظام سیاسی را براساس تقاضاهایشان مورد سنجش قرار می‌دهند؛ به‌هر میزان که پاسخ‌گویی یک نظام به خواسته‌ها و تقاضاهای مردم منطقی باشد، به‌همان میزان، آن نظام از کارآمدی بالایی برخوردار خواهد شد. در سال‌های اخیر، فاصله‌گرفتن



از اهداف به‌خاطر سوءمدیریت در جامعه، وجود موانع متعدد به‌ویژه موانع ایجادشده توسط قدرت‌های استکباری و ضعف در اراییه امکانات لازم، زنگ‌های هشدار را برای مدیران به‌صدا درآورده است. ساده‌ترین راه‌حل این مشکل، به‌کارگیری افراد متخصص و متعهد در جامعه است. کارآمدی نظام سیاسی، توانایی تنظیمی سیستم را نشانه می‌گیرد؛ هرچقدر دولت اسلامی کارآمدتر باشد توانایی تنظیمی سیستم نیز افزایش می‌یابد. آخرین عامل ثبات، مشارکت و مردم‌سالاری دینی است. مهم‌ترین پیامد این عامل، ایجاد رشد سیاسی در جامعه و بقای ثبات سیاسی است. مردم‌سالاری زمانی معنا می‌یابد که ضریب اطمینان ثبات سیاسی را بالا ببرد. در جمهوری اسلامی ایران این عامل از ظرفیت و توانایی بالایی برخوردار است و خطر از این ناحیه بسیار ضعیف و تقریباً کم است؛ مشروط به این که مشارکت رقابتی و دموکراسی دینی حاکم باشد. این شاخص کمک می‌نماید که در آناتومی قدرت، قدرت به‌شکل مؤثر پراکنده شود و گروه‌های متعددی که نمایندگی منافع مختلف جامعه را برعهده دارند، در قدرت سهیم شده و آن را مبادله کنند. در واقع، توانایی توزیعی جمهوری اسلامی ایران به‌لحاظ به‌کارگیری همه‌ی شهروندان در حوزه‌ی سیاست، اقتصاد و فرهنگ، افزایش یافته و منجر به یک سیستم مفید و کاربردی در سیاست خواهد شد.

در مجموع، زمانی که نظام سیاسی - به‌موقع و مؤثر - به خواسته‌ها و تقاضاهای مردم (اعم از مشروع و غیرمشروع) براساس عوامل هشتگانه‌ی یادشده پاسخ‌گو باشد، ثبات سیاسی در جامعه تضمین خواهد شد. هر زمان که یکی از عوامل به‌تنهایی یا چند عامل دچار آسیب شوند، نظام سیاسی از برقراری ثبات سیاسی عاجز خواهد ماند و بی‌شک جامعه با بی‌ثباتی روبه‌رو خواهد گردید. ثبات سیاسی، وجود توازن میان خواسته‌های مردم (اعم از مشروع و غیرمشروع) از یک‌سو، و کارویژه‌های دولتی از سوی دیگر است. مادامی که نظام سیاسی بتواند انتظارات مادی و ایدئولوژیک جامعه را پاسخ‌گو باشد، ثبات نظام حفظ می‌شود.



## پیشنهادها و راه‌حل‌ها

هر یک از پیشنهادها و راه‌حل‌های ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ناظر به یکی از توانایی‌های نظام‌های سیاسی اسلامی است که به‌طور مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود. این توانایی‌ها در فصول گذشته توضیح داده شده‌اند که شامل پنج دسته می‌باشند و درآمدی هستند برای نشان‌دادن یک الگوی نظام‌مند ثبات سیاسی در عرصه نظام‌های سیاسی اسلامی.

۱- تقویت توانایی توزیعی در یک الگوی نظام‌مند ثبات سیاسی در عرصه‌ی نظام‌های سیاسی اسلامی: در جمهوری اسلامی ایران، باید توزیع قدرت از طریق انتخابات مردمی به‌طور مستمر بوده، و گردش آزاد قدرت اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، در عمل باید مشاهده گردند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تصریح چشم‌گیر آن به این امر - که گردش کلیه‌ی امور اساسی مردم مبتنی بر آرای مردم می‌باشد - از جمله میراث‌های گران‌بهای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران است و از این حیث ضرورت دارد که بر اجرای تام و تمام همه‌ی اصول قانون اساسی از جمله، فصل سوم آن (مربوط به حقوق ملت) تأکید شود و از گرایش‌هایی تقلیل‌گرایانه و اجرای حداقلی قانون اساسی پرهیز گردد.

۲- تقویت توانایی تنظیمی در یک الگوی نظام‌مند ثبات سیاسی در عرصه‌ی نظام‌های سیاسی اسلامی: به گروه‌های اجتماعی - سیاسی مردمی اجازه سازمان‌دهی بیش‌تری داده شود. اصولاً التزام به نظام جمهوری و اسلامیت، مستلزم التزام به وجود احزاب و تشکل‌های سیاسی قدرت‌مند و فراهم‌ساختن زمینه‌ی فعالیت رسمی و مؤثر آن‌ها با سلاقی مختلف در داخل خانواده‌ی انقلاب و نظام اسلامی است؛ بدون وجود احزاب و نهادهای سیاسی مستقل از دولت و سایر قوا، امکان تعمیق نظام جمهوری و اسلامیت و وصول به اهداف نهایی چنین نظامی ممکن نیست. هم‌چنین کاهش تصدی‌گری دولت در زمینه‌های مختلف از جمله عواملی است که باید به آن توجه جدی داشت. از وجوه مشترک تمامی نظریه‌ها، توجه به نظم از بالا است؛ که در آن‌ها، ساختار سیاسی حکومت‌ها و رابطه‌ی آن با جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. مضافاً بر این که در توصیه‌ی محقق به نظم از پایین، به‌همان میزان اهمیت داده می‌شود. این نوع نظم حاصل حضور فعال و پویای کنش‌گران جامعه در فرآیندهای مربوط به تحولات جامعه است. مسأله‌ی نظم اجتماعی از پایین، که یکی از کلیدی‌ترین مباحث جامعه‌شناسی است، این باور وجود دارد که بدون برخورداربودن از نظم اجتماعی از پایین، امکان پیشرفت و توسعه‌ی جامعه در عرصه‌های مختلف وجود ندارد. بدیهی است در جامعه‌ای که انسجام اجتماعی وجود نداشته باشد،

همکاری گروهی برای دستیابی به اهداف مشترک با اختلال جدی روبه‌رو خواهد بود؛ بنابراین در رعایت رویه‌ی نظم اجتماعی از پایین، دولت قانع می‌شود که اکثر حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی را به شهروندان منظم و مسئولیت‌پذیر واگذار کند.

**۳- تقویت توانایی استخراجی در یک الگوی نظام‌مند ثبات سیاسی در عرصه‌ی نظام‌های سیاسی اسلامی:** هرچقدر تحرک اجتماعی در جامعه بالا باشد، جامعه با ثبات‌تر خواهد بود. در کشورهای پیشرفته توجه به تحرک اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ در حدی که می‌توان توسعه‌یافتگی سیستم نظام سیاسی را در بخش‌های مختلف با میزان تحرک اجتماعی آن‌ها سنجید. تحرک اجتماعی، پویایی سیستم و میزان شرایط برابر شهروندان را در استفاده از موقعیت‌ها و فرصت‌ها برای کسب مزایای اجتماعی نشان می‌دهد. یکی از وجوه نابرابری و بی‌عدالتی در سیستم اجتماعی، نبود شرایط تحرک اجتماعی است؛ به‌همین دلیل ایجاد شرایط صحیح برای ارتقای شهروندان، گامی به‌سوی عدالت است. هم‌چنین مدیریت در جامعه، به‌ویژه در بخش اقتصادی، به‌علت عدم تخصص و تعهد عامل بی‌ثباتی است. عدم رعایت مرزهای تخصصی دانش و متعهدنبودن صاحبان دانش، باعث اختلاف و تفرقه و سرانجام بحران کارآمدی نظام سیاسی، علمی، اجتماعی و سپس بحران مقبولیت و مشروعیت را در عرصه‌ی منازعات اجتماعی در پی خواهد داشت.

**۴- تقویت توانایی پاسخگویی در یک الگوی نظام‌مند ثبات سیاسی در عرصه‌ی نظام‌های سیاسی اسلامی:** باید نهادهای مالی در جمهوری اسلامی شفاف‌سازی شوند و نظارت بر نهادها و سایر سازمان‌های تأثیرگذار، باید جدی گرفته شده و قانون‌مند گردند. هم‌چنین رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی مستقل باید افزایش یابند و به‌همان میزان مسئولیت‌پذیری به‌شدت تحت الزامات قانونی قرار گیرد. باید اهتمام به گسترش و ترویج سازمان‌های مردم‌نهاد در رأس امور قرار گیرد. رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی مستقل بر سه پایه استحکام می‌یابند: اول این که نباید از اصول و نقش‌های حرفه‌ای و مورد انتظار دور شوند؛ لذا ترویج اخلاق رسانه‌ای به‌عنوان تأثیرگذارترین نهاد اجتماعی باید سرلوحه‌ی فعالیت‌هایشان باشد. دوم این که باید به پیشرفت‌ها و تکنولوژی‌های روز جهان مجهز بوده و از آن عقب نمانند. سوم این که از حوزه‌ی سیاست و آثار آن تا حد امکان مستقل بوده و منفعل نباشند. هرچند در همه‌ی جوامع میل به فساد هست، ولی باید جلوی امکان فساد را با نظارت مردمی گرفت. اسلام بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر، این حق را به همه‌ی مردم در این آیین داده است که در میان جامعه‌ی اسلامی و به‌منظور تحقق اجرای احکام الهی و ممانعت از بازگشت جامعه به فساد و پلیدی، امر نظارت فراگیر باشد؛ لذاست که در اسلام

امر نظارت بر جامعه و نهادهای اجتماعی یک وظیفه‌ی همگانی است و احکام و دستورات مشخصی معین گردیده است تا سلامت فرد و جامعه و حکومت مورد توجه قرار گیرد و جامعه‌ی اسلامی را از دچار شدن به انحراف محافظت کند.

۵- تقویت توانایی سمبلیک در یک الگوی نظام‌مند ثبات سیاسی در عرصه‌ی نظام‌های سیاسی اسلامی: نقش بی‌بدیل باورها و ارزش‌های دینی در ج.ا.ا هرچه سریع‌تر باید از دو طریق نهاد خانواده و گروه‌های اجتماعی پی‌گیری شود. ارزش‌های دینی، باثبات و تغییرناپذیرند؛ چون مبتنی بر وحی هستند. در مقابل، ارزش‌های اجتماعی، ثبات و دوام کم‌تری دارند. روشن است که با تغییر خواسته‌های شهروندان، ارزش‌بودن خود را از دست خواهند داد و دیگر ارزش‌ها جایگزین آن خواهند شد. البته دینی‌بودن ارزش‌ها منافاتی با اجتماعی شدن آن‌ها ندارد؛ چراکه اگر ارزش‌های دینی را بیش‌تر شهروندان جامعه بپذیرند، رفتار و کارهای آن‌ها بر پایه‌ی ارزش‌های دینی شکل خواهد گرفت. این امر مهم را دو نهاد بزرگ خانواده و گروه‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی می‌توانند تقویت نمایند.

## منابع

- قرآن.  
نهج‌البلاغه.
۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران. تهران: قومس.
  ۲. اکبر، علی (۱۳۷۰). سیری در اندیشه‌های سیاسی معاصر. تهران: انتشارات الست.
  ۳. آقادات، سیدرسول (۱۳۹۳). بررسی مسائل مدیریت دولتی ایران. اصفهان: غزل.
  ۴. پورفرد، مسعود (۱۳۸۸). مردم‌سالاری دینی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
  ۵. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت (چ سیزدهم).
  ۶. ترنر، جانان‌ان‌اج (۱۳۷۸). مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی. ترجمه: فولادی و بختیاری. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
  ۷. حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
  ۸. خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۲). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
  ۹. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۲). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل (جلد دوم). ترجمه: وحید بزرگی و علی‌رضا طیب. تهران: قومس.
  ۱۰. رضاییان، علی (۱۳۷۰). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم‌ها. تهران: بی‌نا.
  ۱۱. ژولین، فروند (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی ماکس وبر. ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: رایزن.

۱۲. ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۳. شعبانی، محمدرضا (۱۳۸۰). نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران. تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران.
۱۴. شهدادی، هرمز (۱۳۶۷). کاربرد شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه. تهران: وزارت برنامه و بودجه؛ مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی.
۱۵. عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷). منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷). مشارکت سیاسی. تهران: سفیر.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۶۲). تمهیدالاصول فی علم الکلام. تهران: مشکوة.
۱۸. فرشاد، مهدی (۱۳۶۲). نگرش سیستمی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۶). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی. بی‌جا: بی‌نا.
۲۰. گرتد رابرت (۱۳۷۶). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند. ترجمه: علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۱. گابریل آلوند، بینگهام پاول و رابرت مونت (۱۳۷۷). چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ترجمه: علیرضا طیب. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۲۲. تقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: سمت.

#### رسانه و مطبوعات

۲۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان استان فارس؛ ۸۷/۲/۱۲.
۲۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ ۹۲/۰۹/۱۹.
۲۵. بیلی، فرانک (۱۳۶۶). ثبات و بحران: نگرانی‌هایی درباره‌ی دموکراسی. اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۸.
۲۶. پناهی، محمد عادل (۱۳۸۳). درآمدی بر ثبات سیاسی. مجله راهبرد، شماره ۳۱.
۲۷. خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۵). چارچوبی برای تحلیل رقابت سیاسی و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران. دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره سوم.
۲۸. دوگان، ماتیه (۱۳۷۴). سنجش مفهوم مشروعیت و اعتماد. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۱ و ۲، سال دهم.
۲۹. رجب‌زاده، احمد و کوثری، مسعود (۱۳۸۲). آنومی سیاسی در ایران با تکیه بر نظر شهروندان تهرانی. مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۲۱.
۳۰. سیف‌زاده، حسین و گلیایگانی، حسن (۱۳۸۰). محرومیت نسبی و چرخش رای در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، مجله سیاست، پاییز.
۳۱. فتحعلی، محمود (۱۳۸۳). کارآمدی نظام اسلامی. صباح، سال سوم، ش ۱۲ و ۱۱.
۳۲. لیست، سیمور (بی‌تا). مشروعیت و کارآمدی، مجله‌ی فرهنگ و توسعه، ش ۱۸.

۳۳. مسلمی فر، مهدی (۱۳۹۴). گفتگو - حقایق درباره طلاق در ایران ، کد خبر: ۲۵۹۴۰۳ - تاریخ انتشار: ۳۰ شهریور ۱۳۹۴ در صراط نیوز (- http://www.seratnews.ir)
۳۴. روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۳۸۲۹ - پنج شنبه ۱۴ مرداد ۱۳۹۵ - توسط بنیاد اقتصاد نوین (NEF)
۳۵. www.mehrnews.com
۳۶. www.ana.ir خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی - آنا
۳۷. www.mehrnews.com - شناسه خبر: ۲۹۶۷۸۸۵ - دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۹۴
۳۸. - May30, 2015 - www.salamatnews.com - کد خبر: ۱۴:۴۶ - ۱۴۹۷۴۳ - ۰۹/۰۳/۱۳۹۴
۳۹. سایت تابناک، کد خبر: ۶۴۱۵۴۲، ص اول اجتماعی
۴۰. www.donya-e- eqtesad.com/news/404845 شماره ۳۹۹۲
۴۱. روزنامه دنیای اقتصاد - شماره ۲۳۸۰ تاریخ ۲۱/۰۳/۱۳۹۰ حمید زمانزاده
۴۲. ۱۹ آبان ۱۳۹۴، کد خبر: fa.shafaqna.com/news/52509
۴۳. www.farsnews.com ، شماره: ۸۶۰۵۰۱۰۳۷۱
۴۴. سایت رسمی وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران

#### منابع انگلیسی

45. Alseina, Alberto, and Roberto Perotti. 1996. Income distribution, political instability, and investment. *European Economic Review*. 40(6): 1203-1228. Published.
46. Huang, Jie, and Kazimierz M Słomczyński (Winter 2003/2004); "The Dimensionality and Measurement of Economic Dependency: A Research Note." *International Journal of Sociology* (M.E. Sharpe), vol. 33, no. 4, 82- 98.
47. Horowitz, Donald, *Ethnic Groups in conflict*, Berkeley: University of California press, 1985.
48. Lipset, S.M (1959). *Political Man, the Social Basics of Politics*. New York: Doubleday.
49. Saunders, David, *without patterns Political instability*, translating Institute for Strategic Studies, Tehran, Research Center for Strategic Studies, 1380.
50. Smith, "political stability, democracy and development", translator Amir Mohammad Haji Yousefi and Mohammad Gaeni Najafi, *Political & Economic*, year XVI, No. 170- 169, November and Azar, 1379.